

فیلم‌های تعقیب و گریز

زندگی، ترافیک

و دیگر هیچ



علیرضا محمودی

در شهری که سکناس تردد در آن ۳ بر داشت صبح و ظهر و عصر، ترافیک است و ترافیک است و ترافیک. در میان شهروندانی که افتخار کننده ترین دلیل برای بدقولی ترافیک است و ترافیک است و ترافیک و ترافیک و ترافیک تصویری که از خود می سازیم بر تاریخ ترافیک، است و ترافیک است و ترافیک، نوشتن از غیبت فیلم های فارسی که داستانها با تغییر و گریز جلو برود و چهره های هم میزان مهارت های را ندانیم به متمایز بشوند، انتهای شکم گیری است.

وقتی در تولیدات وطنی بر اساس مقتضای اسداتن محصنه‌های از تعقیب و گریز را نمانشای کم، نخستین هموطن برای ساخت و پرداخت محصنه چشم‌نواز و نفی گرور محصنه، خلوت‌نویز و بلوار و برای جهان و آوازه‌دار است. وقتی در ایران بودی در قیقاخ و نیسانی مشغول و پرواز و موری در آوج پرواز نیستم. خلوتی اینجا اینجا تله‌ای نهایی نیست. خلوتی می‌تواند لذت داشته باشد، اما رالیسم جاده‌ای را که نمی‌توان دلیل بل فراموشی سپرد. به همین دلیل پیش از بازگشت در حال خطر و ریت و پاش‌های خودرویی و جلوه‌های ویژه‌مدانی و رایانه‌ای آنچه می‌بینم تلاش همکاران محصنه در انتها و ابتدای مسیر است. راه هم‌کاری مبینانه با پروژه دعوت می‌کنند. با این تفهینی فصولات می‌تواند ایرانی تعقیب و گریز را در کنار باز و طول پیاده‌رو و نیش‌شخصیت‌ها طرح‌ای می‌کند تا بیلیم‌محصنه که با هزار بادبیتی نوشته‌اند، به خاطر محصنه‌های هر زنه نشود. سرشود نشود. محصنه‌های محصنه‌ها در حالی می‌تواند در نظر بگیرد. او سعی کرد بدست فراد و جلیل فرجاد و چند فقه‌ریک و هلمین و ویات در حوالی سیدختان در سال ۱۳۶۵ آفرینی برای ثبت در تاریخ زان ترلر جاسوسی بسازد که محصنه‌های تعقیب و گریز برای توجهی داشته باشد؛ فیلمی که خلاصت فیلیم تاریخی بیشتر از جاسوسی زینده‌داشت است. خیابان‌های تهران در این ۱۰ سال اقتدر موفقی سرحدانه که نمایش هر فیلم موفقی در محصنه‌های تعقیب و گریز هم درگیری ذهن با محصنه نمی‌شود. همه چیز در تهران شروع شده و در نهایت که ثابت است و اسوار دود نمی‌شود و به هوای دود تاریک است و تاریک است و تاریک.



سارہ رشیدی، بازیگر احمد از تجربہ حضورش در این فیلم می گوید

مواجهه با زنی که بی نهایت

خشمگین و اندوهگین است

فہیمہ پناہ آذر

ساره رشتیدی در کنار تینو صالحی و توماج دانش صالحی از بازیگران اصلی فیلم سینمایی «احمد» است که جلوی دوربین امیرعباس رییعی حاضر شده و در نقش یک پزشک بازی می‌کند. این بازیگر که نخستین تجربه حضور در یک فیلم سینمایی جدی دارد، قبل از در سریال هایپای چون آنتن، روزی روزگاری مرخ، خانه پرکاری، مرعومولی و مینابر به عنوان بازیگر حضور داشته است و در فیلم سینمایی «نظر نقر» به کارگردانی مجید صالحی ایفای نقش کرده است. شروع کار تینو صالحی با فیلم «احمد» در بخش مسابقه جشنواره فیلم فجر حضور دارد. رییعی در سومین تجربه فیلمسازی‌اش به سرپرستی از ۱۸ بازیگر ابتدایی از لوله مرخ حضور شهید کاظمی در این فیلم فضا داده است.

مقابل است؛ به بدلیل شرایط کاری و تجربه در فیلم‌های کوتاه به این نتیجه رسیدیم که باید از تیرانه کوتاه به کارگران را تشویق دهیم. در اقل طول کوتاه با رفاقت و همبازی من و امیرعباس رجبی که واقعا مانند پدر و پسر تر است در کنار بوده است، شکل بگیرد. پس «از احدهم» در سریال «آتن» هم حضور دارد؛ شادستم، منتهی این تجربه کلی بوده و من تجربه اولی مدت کردی یک جشن جدی و فغانی این چندین متفاوت را داشتیم. شخصیت دمد صدر «هاله» در زندگی من و کر و کرشکر و من جریان داشت. حتی موقع فرار فستخستن در خانامه بدنبال شخصیت او بودم و تلاش می کردم، هم‌گامی را شخصیت او را در زندگی ما پیدا کنم. چگونه که پروژه تمام شد، به به خلوتی رفته و برادر صری گریه کرد، لحظه ای من دانستم پدرم برای من تنگ می شود.

از نقش «حمد» برایمان بگوید: ایفای نقش یک پزشک داغ دیده که قطعاً مابازای واقعی هم دارد. چگونه به این نقش رسیدید؟ امیرعباس ربیعی چگونه به شما برای درک بهتر آن کمک کرد؟

ربيعی به عنوان کارگردان، کمک زیادی در ایفای این نقش به من کرد، در تمام صحنه‌های احساسی، در برادرانه حس و دافعی را که این زن در فیلم تحمل می‌کند، به ابرام بازسازی می‌کرد. ایشان کلمه به کلمه را به ابرام زنده می‌کرد و بعد مرا جلوی دوربین می‌فرستاد. یکی از مهم‌ترین چیزهایی که فوق العاده به من کمک کرد، این بود که داستان فیلم، مستند و واقعی بود. طبق تحقیقاتی که عوامل داشتند، یکی از عزیزانی که ابرام کمک



زانه به رفته بود، تعریف می کرد که بعضی رسیدن از ساعت هجده تا ساعت هشت و نیم روز بعد کار می کرد و قهر و کداری زیادی داشته بعد از خستگی که یک پادار برای خودشان درست و با کامی می نمودند می شود که تعدادی روز پیش از زن همچنان به کار نامه می دهند. او خانها را صدا می کند و چادر را از اختیارشان می گذارد و می گوید که شما استراحت کنید، خانم به بعضی اینها چادر می روند، به یاد این برزانشان رخ خاک می افتند و شروع به شیون و ریا می کنند می خواهم بگویم که آنها اینقدر مشغول خدمات رسانی بودند که تا قبل از رفتن به داخل چادر حتی فرصت استراحتند با حرف هم برزنند و عازرانی نبودند، نمی دانم چگونه ممکن است کسی که خانواده اش زیر آوار است، نقد برز و زکوار و محترم باشد که به دیگران هم فکر کرد این داستان آنقدر برای تکمیل دهنده است که حتی یادآورش تمام وجود را تا راسخ می کند. او دهبای که به پیش تولید شده بود و خانواده و ریا بر اینها نقش داشت، چنانچه بعضی به گونه ای نقش را باور کند که هر روز به محض تمام شدن گریم در آینه به خود می گفتن سلام دکتر صدر. همه می دانستند شرایط روحی من در آن دوران تغییر کرد نگاه و صدای من در آن دوران عوض شد چون صدر بسیار متفاوت با سایر شدیدی بود.

فیلم براساس داستان واقعی ساخته شده. چقدر درباره نقش خود و مابازای واقعی آن از منابع مکتوب و گزارش‌ها بهره‌بردید و مطالعه داشتید؟

از لحظه اولیه تا زلزله بم ویدیویی در دسترس نبود. فیلمی که در اختیار ما قرار گرفت، مربوط به چند روز بعد از زلزله بود. زمانی که مسئولان برای بازدید از منطقه به آنجا حضور داشتند. شهید احمد کاظمی هم در ویدئو دیده می‌شود. بر می‌آید ویدئو آن همچنان در شوک بوده و پزشکان و پرستاران مشغول امداد رسانی بودند. از طریق سایت‌های مختلف به تحقیقات زیادی انجام دادم اما همه مهم‌تر حضور در خود بم بود که بسیار تأثیر گذار بود. برای من این نقطه در خوشی بود که احساسی نسبت به لحظه‌های بعد، درنده‌نخستین بر خاسته از کاراکتر شهید احمد کاظمی در بم اتفاق می‌افتاد. معتمد هم نقل سینه به سینه از همه کتاب‌ها و همه منابع اینترنتی تأثیر گذار و ماندگار تر است. بر همه کسی که آنجا حرف می‌زد و می‌نوشت و هنوز راهی فیلم، هم‌شان داغ دیده بودند. سعی می‌کردم با همه به باره این حادثه شهادت کنم و پای همه‌ی ما به‌شمار می‌انجامد. بنشینم.

حضور در «احمد» چه تجربه‌ای را برای شمارقم زد؟
و اگر بخواهید از مخاطب دعوت کنید این اثر را تماشا کند،
می‌گویید به چه دلیل؟

یکی از عجیب‌ترین تجربه‌هایی که داشتم، نزدیکی احساسی به خود
 فاجعه زلزله بم و بازماندگان‌ش بود. اقتدر ابعاد این فاجعه بزرگ بود که
 دعا می‌کنم خدا نصیب کافر هم نکند. تجربه دردناک و عجیبی بود
 که ما بازماندگان چنین فاجعه‌ای بعد از ۲۵ سال حرف و نم و متوجه
 شدیم که آنها دانشان هنوز تازه است. «احمد» از آن شرافتمندان و
 دغدغه‌مندی‌ها تک‌کار اکره‌ای فیلم در آن پیداست.

کدام یک از سکناس‌هایی را که خودتان بازی کردید، بیشتر دوست داشتید؟

سکناس رویارویی شهید احمد کاظمی و دکتر صدر از سکناس‌های مورد علاقه‌ام است. مواجهه این شهید با زنی که بی‌نهایت خشمگین و آندوهگین است، نماد رویارویی مردم به‌م‌دولت است.

چرا از لهجه کرمانی در این اثر استفاده نشد؟

از آنجا که لهجه کرمانی را دوست دارم، خیلی برایش تعین کردم. بنا براین به اینک اصالتا تهرانی است، هستم، باید بگویم که این لهجه شیرازی و کرمانی و کردی و قزاقی و پارس و باهم دارند. این لهجه است که باهم شستم با این لهجه بازی کنم اگر کار دارم گفت که وقتی که می‌توانم صحبت می‌کنم، صلابت و بااصطلاح دیسپلین صدر از من گرفته می‌شود؛ نه که لهجه را دوست داشته باشم بلکه مشکل از من بود. مردم جالب بود که لهجه می‌تواند کاراکتر را از من کند. حتی فکر می‌کنم که این امکان دارد بزرگ اثر می‌تواند اهل جای دیگری باشند و این اصلا عجیب و غریب نبود.



میلا د کی مرآم: ایفای نقش

شهید شیرودی افتخار بزرگی بود

وطن پرستی، ناموس پرستی و غیرت،
گرایش نمی خواهد

میلا کی مرام بازیگوش نقش شهید علی اکبر قربان شیرودی در فیلم «آسمان غرب» دربار اهمیت قهرمان پروری در سینما گفت.

سینمایی شهید علی اکبر غرب به کارگردانی محمد عسگری و تهیه کنندگی حبیب الله وانی از دوازده چهل و دومین دوره از جشنواره بین المللی فیلم فجر حضور دارد.

در این فیلم، میلا کی مرام نقش شهید علی اکبر قربان شیرودی در ارفا کرده است. این بازیگر در باره حضور در این فیلم سینمایی گفت: «در گروه متد هابری تولید و ساخت فیلم سینمایی آسمان غرب تلاش کرد و از حدود ۳۰ سال پیش، بازی در این نقش به من پیشنهاد شده بود اما به علت اشتغال در پروژه های مختلف این فرصت پیش نمی آمد.

در نهایت، در سال جاری، این افتخار نصیب من شد تا نقش شهید شیرودی در ارفا مکتوب و بازیگرانی، تولید فیلم آسمان غرب به بروسه تولیدی او بود و امیدوار هستم که اهالی رسانه و مخاطبان هم این اثر را پسندند.

این مشاهیر بیشتر بهره ببرد چون می‌توانند راه روش درستی از زندگی را به نام نشان دهند و زنان هم می‌توانند ثابت کنند که برابرند. او افزود: زمانی که قرار شد پروژه اضافه شوم شوم ۱۰ روز فرصت داشتم، یک پاک‌دست از خانم اعصابی را ۱۴ اسامه‌ت گوش می‌دادم با این طریق یکی از دوستانم نامه‌اش را با دوست صمیمی خانم پروین اعصابی خواندم و همه اینها



من باید جنگی را بازی می کردم
که ندیده ام

میلاد کی تمام درنستخت خبری فیلم پیش از صبحت، به فرزند آن شهید سپردی، و شصت و سهمیلیاں دیگر از آن نشست حاضر بودند، آشاوره خود بهراه با پیچتر عوامل فیلم به احترام خانواده آنها ایستادند و آنان را تشویق کردند، و در باره رنر سیدی به نقش خود ادا دے داد: رنر تحقیقاتی که داشتیم، تمام خبری خود را کرده ام، نقش، شبیه شخصیت علی اکبر شهید می شود. پسر شهید به من گفتند که این فیلم شبیه پدرشان است و این برام بارز است چون من باید جنگی را بازی می کردم که ندهام.

کوتاه‌تر از گزارش

با اجازه

پروین اعتصامی

پروین اعتصامی به روایت محمد رضا وزیری: یکی از سانسهای فجر روزی قدم بود. فیلم «پروین» در آخرین ساعات سه‌شنبه به نقدان و سینمای نویسان به نمایش درآمد. نشست خبری فیلم «پروین» به کارگردانی محمدرضا شرفی‌نیا در سینمای رسانه‌ی ایران نامی فیلم با حضور بازیگران اصلی برگزار شد. وزیری در ابتدای این نشست درباره اینکه چطور سراغ ساخت فیلمی درباره یکی از مخاخر رفته؟ سوزده حدود ۱۵ سال قبل که از نخستین بار در ذهن من شکل گرفت و از آنجا که به کار در حوزه فیلم علاقه دارم، سراغ این پروژه رفتم. مال مال این آدم بازیگر نقش پروین اعتصامی با قراردادی از شرفی‌نیا، روزی گفت: برای من سبات بزرگی بود برای در این نقش و من بزرگ‌ترین شانس هنری را داشتم. این کار را به‌اجازه دوستان انجام دادم و بر مازان رفتم و اجازه گرفتم ایستادم و ترانه‌های مهدی ان در آنجا می‌آید و به سیمپازان. آن در آنجا می‌آید و به سیمپازان.

این مشاهیر بیشتر بهره برد چون می‌توانند راه و روش درستی از زندگی را به ما نشان دهند و زنان هم می‌توانند ثابت کنند که برابرند. او افزود: زمانی که قرار شد به پروژه اضافه شوم فقط ۱۰ روز فرصت داشتم. یک پادکست از خانم اعصابی را ۲۴ ساعته گوش می‌دادم یا از طریق یکی از دوستان



روزنامه چهل و دومین
جشنواره بین المللی فیلم فجر

42nd
FAJR INTERNATIONAL
FILM FESTIVAL
پنجشنبه ۱۹ بهمن ۱۴۰۲ - شماره ۱۹